

هفتمین همایش ملی بنیاد علمی قانون یار

همایش پژوهش های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین

بنیاد علمی قانون یار - آموزش و پرورش استان کرمانشاه - واحد پژوهش سپاه پاسداران (با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رازی، دانشگاه آزاد، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه پیام نور کرمانشاه، دانشگاه علمی و کاربردی، جهاد دانشگاهی واحد کرمانشاه، دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بنیاد شهید و سازمان ارشاد و
سرمدبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در پایگاه های ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۸ اسفندماه ۱۴۰۳ شماره مقاله: ۲۸/۶۶۹۱ رده بندی کنگره: ب ۵۶/۰۷۶۶

بررسی اشتباهات قضایی از دیدگاه فقه و حقوق ایران

داود جعفری

دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل قشم

چکیده

هیچ کس در این امر که قضاوت و کار قضایی کار سختی است شک و شبهه ای ندارد. اشتباهات قضایی هم امری گریز ناپذیر است. گاهی، در محاکم کیفری آرائی صادر می شود که مطابق با واقعیت نبوده و بر این مبنا ممکن است سبب وجود مشکلاتی شود که شاید بتوان از آن به عنوان فرآیند انگزنی یاد کرد. بر این اساس، مشکل زمانی بروز می کند که بعضی از قربانیان اشتباهات قضایی، توانایی حل و فصل این اشتباه را نداشته و در هنگام سپری کردن مجازات و یا بعد از آن با استناد به اشتباه صورت گرفته مرتکب رفتار مجرمانه می گردند. اصل بر این است که محاکمات علنی، عادلانه و بر اساس قانون صورت گیرد، آیین دادرسی کیفری جدید توانسته است به صورت قابل قبولی نواقص و ایرادات در رسیدگی های کیفری را برطرف کند.

واژگان کلیدی: اشتباهات قضایی، انگزنی، جبران خسارت، قربانی، دادرسی.



مقدمه

انسان معقول و منطقی زمانی که با واژه های داوری و قضاوت مواجه می شود؛ ناخودآگاه به یاد احتمالا اشتباه در این مسایل می افتد. موارد قضایی هم از این مسأله مصون نبوده و اشتباهات قضایی بالاخص در امور کیفری کم و بیش وجود دارد. چرا که تمامی عناصر متشکله در امر قضا، چه افرادی که جرم انگاری کرده اند؛ چه افرادی که محاکمه میکنند و چه افرادی که محاکمه می شوند؛ نسان بوده و نسان نیز ممکن الخطاست.^۱ اگر قوانین جزایی به گونه ای وضع گردند که حقوق متهمی که به اتهام جرمی، تحت تعقیب قرار گرفته به مخاطره افتد؛ تضمینات لازم نیز برای دفاع از حقوق متهم از دست برود؛ سیستم دادرسی به گونه ای باشد که در مراحل قبل از اثبات جرم، لطمات جبران ناپذیری به متهم وارد نماید؛ یعنی آثار سیستم دادرسی در مراحل تعقیب و تحقیق خود، اثراتی همانند مجازات را داشته باشد؛ دلایل اثبات جرم، علمی و اطمینان آور باشد؛ اصل برائت متهم، مورد خدشه قرار گیرد و قوانین، قابل سوءاستفاده باشد؛ سیستم عدالت کیفری، خود عامل ظلم و بیدادگری میگردد. اگر قوانین تکامل یافته و مطابق نیازهای روز جامعه نباشد؛ اعتماد مردم به دستگاه قضایی پایین باشد؛ آن گاه دستگاه عدالت کیفری خود جولانگاه مجرمانی میگردد که در لباس و کسوت شاکی و به اسم احقاق حق، اقدام به تعرض و تجاوز به بیگناهان مینمایند و دستگاه قضایی هم ناخواسته از چنین مجرمینی حمایت نموده و موجبات بدبینی و تضعیف بیشتر دستگاه عدالت کیفری را فراهم خواهد کرد.^۲ در محاکم قضایی زمانی که یک فرد بیگناه، مورد تعقیب قرار گرفته؛ محکوم و مجازات میشود؛ به احتمال قریب به یقین، حس کینه، انتقام جویی، بازگرداندن منافع از دست رفته به هر نحو، ارضای تمایلات مجرمانه از قبیل فحاشی، تخریب اموال عمومی و ... در وی شعله ور میشود. به همین دلیل، این احتمال وجود دارد که دست به رفتار مجرمانه بزند و این میتواند همان اثرات شوم یک اشتباه قضایی کیفری باشد. عکس این قضیه هم صادق است و مربوط به زمانی میشود که فرد مرتکب جرمی شده که به دلیل ناتوانی دستگاه

۱. نظری، محمد، «تحلیل آماری اشتباهات قضایی در افزایش جرم»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی (تهران مرکزی)، ۱۳۹۲، ص. ۲۰.
۲. فرخی، حمید رضا، حقوق کیفری و پدیده شاکیان حرفه ای، انتشارات مجد، ۱۳۸۹، ص. ۱۸.



بخش اول: بیان مسئله

دستگاه عریض و طویل اجرای عدالت از آنچنان عظمتی برخوردار است که انسان آرزو می کند عاری از هرگونه لغزش و خطا بوده و بتواند عالی ترین مظهر عدالت بر روی زمین تلقی شود و با ارضای حس عدالت خواهی انسان امنیت قضایی را نیز تأمین نماید. ولی علی رغم همه احتیاطات معمول گاه به سبب غفلت و اختلال در کار یکی از چرخ دنده های این ماشین عظیم، دستگاه اجرای عدالت مرتکب اشتباهاتی می گردد که در بسیاری از موارد جبران ناپذیر باقی مانده و هیچ عملی نمی تواند خسارت ناشی از چنین اشتباهاتی را جبران سازد. تاریخ بشر در تمامی جوامع این امر را ثابت نموده و شاهد قتل عام ها و صدور احکام حبس و غل و زنجیر افرادی بوده که بعداً ثابت شده است بی گناه بوده و هیچ ضرورتی به اعمال آن همه خشونت نسبت به قربانیان آن نبوده است. درستکارترین، محترم ترین و با آبرو و حیثیت ترین مردم ممکن است روزی، بی گناه، قربانی تصمیمات قضایی گردند. یک پدر و مادر خوب خانواده، زن و شوهری مهربان، فردی مدیر و مدبر و شهروندی منظم و آشنا به حقوق و تکالیف خود که با عزت و سربلندی زندگی می کند نباید هرگز تصور کند، که با مقامات قضایی کشور خود، سر و کار نخواهد داشت. اتفاق و سرنوشت ممکن است همین اشخاص را به عنوان فردی تبهکار و حتی جانی به محاکمه بکشاند. نباید گمان کرد که شخص در لوای حسن شهرت، مقام و موقعیت های شغلی و داشتن ارتباطات مهم، همیشه مصون از تعقیب و محاکمه است. اشتباه قضایی تنها به سراغ افراد ساده و بی دست و پا و عاجز از دفاع نمی رود. اشتباه قضایی بدون تفاوت، بر قوی و ضعیف می تازد (که صد البته این شرایط همیشه برای افراد ضعیف سخت تر سپری می شود). و یک سیاست مدار، پزشک، مهندس، استاد، روحانی، کارمند، کاسب، کارگر، کشاورز و خلاصه



تمام طبقات اعم از غنی و فقیر را ممکن است در بر بگیرد. چون قضاوت کردن امری دشوار است و عواملی چون اطلاعات ناصحیح، سندی مجعول و ساختگی، شهادت کذب، اقرار صوری، نظریه غلط کارشناسی، می‌تواند باعث ایجاد نتیجه‌ای گمراه‌کننده، که منتهی به محکومیت یک بی‌گناه می‌شود گردد. به محض اینکه کلمه اشتباه قضایی به گوش می‌رسد، بلافاصله قیافه افراد مفلوک و بدبخت را در نظر مجسم می‌کنیم که در اثر یک محکومیت مقرون به اشتباه روزها و سال‌ها، در گوشه‌ای از سلول تاریک زندان‌ها باید عمر بگذرانند و برای آزادی خود روز شماری کنند. شکنجه طاقت فرسای محرومیت از آزادی را تحمل نمایند و برای جرمی مجازات شوند که روحشان نیز از آن خبر ندارد. بدیهی است، افرادی که سرنوشت چنین شومی پیدا می‌کنند وجود دارند، ولی تعدادشان در مقابل کسانی که سال‌ها و ماه‌ها بلا تکلیف در زندان‌ها به سر می‌برند و بعد هم حکم بر برائت آنها صادر می‌شود و یا حتی در برخی موارد به لحاظ حفظ حیثیت و اعتبار دستگاه قضایی، دادگاه متهم را به همان مدت سپری شده در زندان محکوم می‌نماید، بسیار ناچیز می‌باشد. رقم عمده اشتباهات قضایی را این دسته از متهمین تشکیل می‌دهند که در نتیجه رسیدگی نهایه تیرئه و یا قرار منع تعقیب آنها صادر می‌شود. ولی در عین حال مدت مدیدی از زندگی شیرین آنها فدای قرارهای تأمینی و احتیاطی مأمورین تحقیق می‌گردد. متهمین مزبور باید روزهای زیادی را در انتظار تعیین تکلیف باشند و بعد هم اعلام شود که اصولاً تقصیر و گناهی نداشته‌اند و یا دلایل کافی برای اتهام آنها موجود نیست (گلدوزیان ۱۳۸۴). حیات و آزادی انسان از مهم‌ترین حقوق و موهبتی است که از آن به عنوان حقوق طبیعی و اولیه انسان یاد می‌کنند. لطمه و خدشه به این حق طبیعی، به هیچ عنوان نمی‌تواند قابل جبران باشد و هیچ انسان عاقلی نمی‌پذیرد که بیهوده، متحمل مجازاتی شود که استحقاق آن را نداشته است و نمی‌توان تصور کرد که خون بی‌گناهی به ناحق پایمال گردد و خسارتی که گاه جبران آن امکان‌پذیر نیست به جامعه انسانی تحمیل می‌شود.

در راستای بررسی عوامل جرمزا همچون اعتیاد و ... عامل دیگری هم وجود دارد که شاید در بدو امر غیرمنطقی به نظر آید؛ ولی با بررسی علمی و آماری مسأله، می‌توان به جرمزا بودن آن واقف شد. این عامل همان اشتباهات قضایی و اثرات آن است. توضیح این که گاهی، در محاکم کیفری آرائی صادر می‌شود که مطابق با واقعیت نبوده و بر این مبنا ممکن است سبب وجود مشکلاتی شود که شاید بتوان



از آن به عنوان فرآیند انگ زنی یاد کرد. بر این اساس، مشکل زمانی بروز می کند که بعضی از قربانیان اشتباهات قضایی، توانایی حل و فصل این اشتباه را نداشته و در هنگام سپری کردن مجازات و یا بعد از آن با استناد به اشتباه صورت گرفته مرتکب رفتار مجرمانه می گردند. به همین سبب بر آن شدیم تا به تحلیل آماری اشتباهات قضایی و تأثیر این اشتباهات در افزایش جرایم بپردازیم. لذا در حد توان عوامل مؤثر در اشتباهات قضایی بررسی می شود. همچنین با استمداد از تحلیل داده های آماری و استناد به برخی اصول علم جرم شناسی و جامعه شناسی جنایی، این موضوع که آیا این اشتباهات می تواند منجر به ورود ضرر به فرد قربانی و به تبع آن، افزایش رفتار مجرمانه گردد یا نه، واکاوی می شود. هیچ کس در این امر که قضاوت و کار قضایی کار سختی است شک و شبهه ای ندارد. اشتباهات قضایی هم امری گریز ناپذیر است. قضاوت در مقام صدور رأی و اجرای آن، از اشتباه مصون نیستند و مطابق قواعد فقهی «لا ضرر» و «تسبیب» ملزم به جبران خسارت وارده ناشی از صدور آرای اشتباه می باشند. اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لزوم جبران خسارت وارده ناشی از اشتباهات قضایی را مورد توجه قرار داده و با درایت مقنن، اصل فوق در سال ۱۳۷۰ وفق ماده ۵۸ در قانون مجازات اسلامی گنجانده شد و بدین صورت قابلیت اجرایی پیدا نمود. مطابق ماده فوق که تقریباً تکرار اصل ۱۷۱ قانون اساسی است، چنانچه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر و زیان مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر اینصورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود. در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید برای اعاده حیثیت او اقدام شود. همچنین ولایت قاضی چون ولایت پیامبران و جانشینان آنهاست. در اسلام اولین قاضی پیامبر بوده که احادیث و روایات بسیاری در طریقه قضاوت ایشان آورده شده است. قرآن کریم در چگونگی قضاوت می فرماید: «یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لا تتبع الهوی» (ای داوود، ما تو را خلیفه روی زمین گردانیدیم. در میان مردم به حق داوری کن و از پی هوای نفس مرو.) (ص، ۲۶) لذا قضاوت به رغم تصور عامه شغل نیست بلکه ولایتی است بر مردم و به همین سبب هم در اسلام از شرایط نصب قاضی و آداب القضاء بسیار سخن گفته شده است. شرایط قاضی منصوب عبارت است از: بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، اجتهاد مطلق، مرد بودن، طهارت مولد و اعلمیت نسبت به کسانی که در شهر



یا نزدیک آن هستند بنا بر احتیاط و همچنین احوط است که دارای حافظه باشد به گونه ای که فراموشی، غالباً او را نگیرد. (موسوی الخمینی، تحریر الوسیله، ج ۴، ص ۸۵)

در وجوب شرایط ذکر شده در اسلام برای قضات منصوب محاکم (مجتهد جامع الشرایط) هیچ شکی نیست. امروزه نیز هیچ شکی نمی باشد که مصلحت و نیاز جامعه ایجاب می نماید که قضات منصوب به اجرای عدالت بپردازند که این به دو دلیل می باشد: اول آنکه تعداد افراد واجد شرایط قضاوت اسلامی در قوه قضائیه به تعداد کافی نیست تا اجرای عدالت تحقق یابد و دوم آنکه مقید بودن قضات به قوانین و مقررات عمومی - لازم الاجرای مصوبه - بخصوص در بعضی امور جزایی که اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها بر آن حکومت می نماید - تصور وجود قاضی واجد شرایط (مجتهد جامع الشرایط) و چگونگی قضاوت چنین قاضی ای را غیر ممکن می سازد؛ زیرا علم قاضی اسلامی دارای حجیت ذاتی است. در حالیکه قاضی امروزی مقید است علم شخصی خویش را با مستندات و قرائن و امارات همراه سازد تا بتواند به ظهور اصل برائت فائق آید. قاضی امروزی در بند آیینهای دادرسی و دیوان عالی کشور است و دادگاه انتظامی قضات هم بر تخلف وی از قوانین و مقررات نظارت می نماید؛ قوانین و مقرراتی که درگیر نمودن قاضی واجد شرایط اسلامی با آنها، با جامع الشرایط بودن او منافات دارد. اصول پذیرفته شده در آیین دادرسی اسلام از جمله اصل وحدت قاضی و اصل قطعیت احکام صادره توسط قاضی، به دلیل قرار دادن شرایط شاقی است که اسلام برای قضاوت در نظر گرفته است و فقط خداوند متعال است که بر کار چنین قاضیانی نظارت واقعی دارد. امروزه قضات مأذون - که اکثریت قریب به اتفاق قضات را تشکیل می دهند- باید با رعایت آیین های دادرسی و قوانین و مقررات موجود حکم دهند و حتی کوچکترین تصمیمشان مستند به مواد قانونی باشد؛ به همین جهت هر چند طبق ماده ۲۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، و قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲، اصل بر قطعی بودن آرای دادگاههای بدوی است اما استثنائات این اصل آن چنان گسترده است که «اصل» را تحت الشعاع قرار داده است. پس بهتر است بگوییم احکام دادگاهها قابل تجدید نظر هستند مگر تعداد معدودی که مجازات آنها تقریباً فاقد اهمیت است؛ به همین جهت است که اصل تعدد قاضی بخصوص در مراجع قضایی بالاتر از جمله دادگاههای تجدید نظر و دیوان عالی کشور پذیرفته شده و تشکیل هیأت منصفه نیز از همین اصل پیروی می کند. بالاخره باید گفت از



خطر انتقام فردی و ارتکاب جرم را تقلیل می‌دهد. گاهی اوقات، تأثیر منفی معضلات و پیچیدگی‌های تشریفات دادرسی، از لطمه‌هایی که بر بزه دیده وارد شده؛ کمتر نمی‌باشد. ما در این تحقیق درصدد بررسی این موضوع و ارائه پیشنهادهای برای اصلاح ساختار نظام قضایی کشور در جهت تضمین عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی، همراه با سرعت و دقت لازم و کافی، هم در زمینه کاهش میزان اشتباهات قضایی و هم در زمینه از بین بردن رابطه علت اشتباهات قضایی و افزایش جرم هستیم.

بخش دوم: روش تحقیق

روش ما در این تحقیق توصیفی، حقوقی و تحلیلی می‌باشد. همچنین شیوه و روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق، روش کتابخانه‌ای و با تکیه بر متون و در مرحله‌ی بعدی تحقیق در آثار حقوقدانان، نویسندگان و آراء و عقاید آن‌هاست. همچنین از مقالات و مجلات معتبر علمی، سابت‌های حقوقی به زبان فارسی، انگلیسی که در این زمینه از قبل آماده شده برگرفته شده است.

بخش سوم: مفهوم‌شناسی

تحلیل و واکاوی نسبت به هر موضوعی مستلزم شناخت مفهوم و حدود و ثغور مورد تحقیق است؛ بدین‌وسیله و طی این قسمت، واژگان اصلی این پژوهش را با زبانی ساده و شفاف که برای مخاطب به راحتی قابل درک باشد، تعریف می‌نماییم.

بخش چهارم: اشتباهات قضایی

بدون تردید ارائه تعریفی جامع و مانع از اشتباه قضایی امری مشکل و تا اندازه‌ای غیر ممکن است. دایره گسترده اشتباهات قضایی به گونه‌ای است که هر یک از مصادیق آن نیازمند ارائه تعریف جداگانه‌ای نسبت به مصادیق دیگر است. عده‌ای معتقدند، اشتباهات قضایی به خطایی گفته می‌شود که در جریان دادرسی اجتناب‌ناپذیر بوده و عرف قضایی، آن را بخشودنی بداند و منسوب به عمد و سوء نیت قضایی نباشد. کلمه اشتباهات قضایی ناخودآگاه ذهن را معطوف می‌سازد به اشتباهاتی که به طور معمول در دستگاه عدالت کیفری رخ می‌دهد و بیگناهی به واسطه اشتباه یک قاضی، محکوم و مجرمی در نتیجه این اشتباه، تبرئه می‌گردد. در فرهنگ انگلستان اشتباه قضایی واژه‌ای است که

اینگونه تعریف شده است: « کلیه اقدامات نادرستی که در طول یک فرایند دادرسی از بدو تعقیب تا خاتمه اجرای مجازات، از طرف دستگاه دادگستری به متهم تحمیل می شود. اشتباه قضایی به آرای غلط و بر خلاف واقع نیز اطلاق می گردد» (مرغوب، ۱۳۸۶: ۳). به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی هرگاه در اثر اشتباه یا تقصیر قاضی در صدور حکم خسارتی متوجه محکوم علیه شود، نامبرده می تواند خسارت وارده را از قاضی یا دولت مطالبه کند. ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی نیز بیان می دارد: « هرگاه در اثر اشتباه یا تقصیر قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر موردی خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت بوسیله دولت جبران می شود و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر و اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود».

در علم حقوق، اشتباه معنای خاصی نداشته و به اعتبار موضوع آن در زمره مسایل این علم قرار می گیرد.^۱ با این حال می توان آن را این گونه تعریف کرد: مواردی از لغزش و قصور از طرف متصدیان قضایی که خود به دلایل متنوعی به وجود آمده و تحت شرایطی می تواند سبب افزایش حجم پرونده های کیفری و همچنین بروز رفتار مجرمانه شود.

بخش پنجم: قربانی

هر شخصی که از وقوع امری متحمل ضرر و زبانی شود که در واقع مستحق آن نبوده است، بزه دیده و مجنی^۲ علیه هم به همین معناست.

بخش ششم: شرایط عمومی قاضی

١.١ مامي، حسن، حقوق مدني، ١٣٧٥، ج.٢، ص. ١٢.

۲. آخوندی، محمود، **آیین دادرسی کیفری**، انتشارات میزان، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۶۵.



در حقوق اسلامی، شرایط عمومی متعددی در انتخاب قاضی توصیه شده که برخی از آن شرایط جزء بدیهیات محسوب می‌گردد، همانند بلوغ و عقل زیرا کسی که فاقد دو شرط مذکور باشد خود تحت ولایت و قیمیت دیگری بسر می‌برد و حال اینکه صاحب منصب قضایی بگونه‌ای اعمال ولایت می‌کند. در ذیل به سایر شرایط اشاره‌ای می‌شود.

بخش هفتم: ایمان

منظور از شرطیت ایمان برای تصدی منصب قضا ممکن است ایمان به معنای عام یعنی در مقابل کفر، یا ایمان به معنای خاص یعنی اعتقاد به امامت دائمه اثنی عشر علیه السلام باشد. اگر منظور از ایمان، اسلام در مقابل کفر باشد در این صورت می‌توان با تمسک به دلیل نقلی و عقلی این شرط را احراز کرد.

بخش هشتم: دلیل نقلی

۱. در آیه شریفه نفی سبیل به طور کامل هرگونه سلطه کافر بر مومن نفی گردیده است و از آنجا که قضا و لوازم آن از قبیل احضار متهم، تعزیر و اجرای حدود نوعی سبیل و اعمال ولایت محسوب می‌گردد، مقصود از سبیل، تفوق و تسلط است و بدون شک قاضی بر مترافین سلطه دارد.

۲. حدیث «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه»^۱ نیز می‌تواند دلیل نقلی دیگری محسوب گردد زیرا قاضی نسبت به مترافین علو و تسلط دارد و حال اینکه مطابق این روایت جایز نیست غیر مسلمان به گونه‌ای بر مسلمان سلطه پیدا کند.

البته برخی از فقیهان در استدلال به آیه شریفه و روایت مذکور، بر شرطیت اسلام برای قاضی خدشه کرده‌اند، به این بیان که در معنای سبیل و علو و تسلط ابهام وجود دارد. لذا استدلال به آن دو کافی نیست.^۲

^۱ - حر عاملی وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۳۷۶ ح ۱۱؛ شیخ صدوق من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۲۴۳ ح ۳ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام ج ۴۰ ص ۱۲.

^۲ - سید عبدالکریم موسوی اردبیلی فقه القضاء ص ۷۲.



بخش نهم: دلیل عقلی

از آنجا که نظام سیاسی اسلام مبتنی بر فکر و عقیده خاصی می باشد که نظم اداری آن نیز از همان مبنا تبعیت می کند و قوه قضاییه نیز مهمترین رکن نظام اداری آن محسوب می گردد، چگونه می توان این منصب خطیر را بر عهده شخصی گذاشت که او هیچ گونه اعتقادی به این نظام ندارد. هر چند ممکن است گفته شود دلیل مذکور در صورتی مورد پذیرش است که عدالت قاضی به عنوان یکی از شرایط مورد پذیرش باشد ولیکن اگر به جای عدالت وثاقت را یکی از شرایط ضروری بدانیم، با استدلال مذکور نمی توان مدعا را ثابت کرد. اما در صورتی که منظور از ایمان به معنای اخص یعنی اعتقاد به امامت باشد به اجماع و ضرورت مذهب و نصوص زیادی که در حد تواتر است،^۱ تمسک گردیده است و با توجه به ارزش والای منصب قضا که برای انبیا و اوصیای آنان می باشد و همه فقها تصریح به شرطیت ایمان در قاضی کرده اند، به احتمال قوی می توان گفت کسی که انحراف عقیده دارد نمی تواند تصدی قضا را عهده دارد گردد، زیرا از یک سو اگر شک در صلاحیت چنین شخصی داشته باشیم، اصل عدم^۲ و از طرفی دیگر اصل عدم ولایت برای غیر مومن و در نتیجه اصل عدم اعتبار حکمش جاری می گردد.^۳ به علاوه کلمه «منکم» در خبر ابو خدیجه و مقبوله عمر بن حنظله دلالت بر امامی بودن می کند.^۴

بخش دهم: طهارت مولد

در خصوص این شرط به روایاتی استناد شده است که در آن ها حتی چنین شخصی کافر معرفی گردیده و شهادت و امامتش باطل اعلام شده است. به علاوه به اجماع و تنفر طبع مردم از چنین اشخاصی نیز می توان استناد جست.^۵

^۱ - محمد حسن نجفی، جواهر الکلام ج ۴۰ ص ۱۳.

^۲ - حسینعلی منتظری، دراسات فی ولایه الفقیه، ج ۲ ص ۱۴۹.

^۳ - سید عبدالکریم موسوی اردبیلی فقه القضاء ص ۷۲.

^۴ - حسینعلی منتظری، دراسات فی ولایه الفقیه، ج ۲ ص ۱۴۹.

^۵ - محمد حسن نجفی، جواهر الکلام ج ۴۰.



بخش یازدهم: مرد بودن

در شرطیت این عنوان به ادله متعددی استناد گردیده است. صاحب جواهر بعد از بیان کلام محقق که گفته «لا ینعقد القضاء للمراه و آن استکملت الشرائط»^۱ می فرماید: این نظر منطبق بر نص است.^۲

ادله ای که در شرطیت مرد بودن بیان شده عبارت اند از:

دلیل اول: آیه شریفه می فرماید «الرجال قوامون على النساء»^۳. لازمه قیومیت سلطه و حکومت است و قضا نوعی ولایت و حکومت محسوب می گردد که اگر تولی قضا بر زن جایز باشد مقتضی آن است که بر مرد ولایت پیدا کند.

دلیل دوم: در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امام علی علیه السلام آمده است: «یا علی لیس علی المراه جمعه ... و لا تولی القضاء»^۴

دلیل سوم: دلیل دیگر اجماع است. مطابق نقل شیخ در مبسوط و دیگر فقیهان، مخالفی در این خصوص دیده نشده است.

به علاوه، وقتی که بر اساس روایات مختلف زن نمی تواند حتی عهده دار امامت نماز زن گردد، به دلالت اولویت قضاوت بر زنان هم بر او جایز نیست از طرفی دیگر، این نکته که از صدر اسلام و زمان ائمه علیهم السلام و تاکنون به رغم اینکه زن های عاقل و فاضل زیادی وجود داشته اند و با این وصف در جوامع اسلامی خصوصاً شیعی عهده دار امر قضا نبوده اند قوی ترین دلیل بر عدم جواز قضاوت برای زن است هر چند با استناد به اصل عدم سلطه در موارد مشکوک نیز می توان قضاوت زنان را نفی کرد.

^۱ - محقق حلی، شرایع الاسلام ج ۴۰ ص ۶۸

^۲ - محمد حسن نجفی، جواهر الکلام ج ۴۰ ص ۶۸

^۳ - نساء (۴) آیه ۳۳

^۴ - حر عاملی وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۶ شیخ صدوق من لا یحضر الفقیه، ج ۴ ص ۲۶۳.



با وجود آنکه در عدم جواز قضاوت زنان به دلایل مذکوره استناد گردیده است ، می توان گفت ادله مذکور در این خصوص قاطع نیستند ، چه اینکه از ذیل آیه شریفه نیز بر می آید که آیه مربوط به نظام خانواده و راجع به مسئولیت زن و مرد می باشد و از این رو استفاده عام از آیه شریفه خالی از اشکال نیست . روایت مذکور هم از جهت سند و هم از نظر دلالت ضعیف است و به هیچ وجه امکان تصحیح آن نمی باشد ^۱ . درباره اجماع نیز باید گفت که اولاً احتمال مدرکی بودن آن می رود و ثانیاً اجماع مذکور با وجود برخی مخالف ها ، از قطعیت برخوردار نیست . تنها دلیل قابل استناد در این خصوص ، اصل عدم سلطه و عدم ولایت است .

بخش دوازدهم: علم

قضاوت در واقع نوعی بیان حق است ؛ یعنی قاضی از میان گفته های متعدد و متهافت که با باطل ممزوج است حق را کشف می کند و خالص می سازد . قاضی در هر نظام حقوقی به منزله ستون فقرات آن محسوب می گردد لذا کسانی باید متصدی این امر باشند که قدرت درک و کشف حقیقت را داشته باشند به این مسئله در روایات متعددی اشاره شده و شیخ حر عاملی در ابواب صفات قاضی برخی از این روایات را ذکر کرده است از جمله روایات نامه معروف امام علی علیه السلام به مالک اشتر است که در بخشی از آن به این مسئله اشاره فرموده است :

... ثم اختر للحکم بین الناس افضل رعیتک فی نفسک و انفسهم للعلم و الحلم و الورع و السخاء ممن لا تضیق به الامور ... ^۲

ای مالک برای قضا و داوی میان مردم ، برترین آن ها را انتخاب کن قاضی باید از نظر علم و حلم و تقوا و سخاوت برتر از سایر مردم باشد و از کسانی باشد که امور قضایی او را در تنگنا قرار نمی دهد .

در روایت دیگر آمده است :

^۱ - سید عبدالکریم موسوی اردبیلی ، فقه القضاء ص ۸۱ .

^۲ - ابن شیعیه حرانی ، تحف العقول ص ۳۵ نهج البلاغه نامه ۵۳ .



لا یطمعن قلیل الفقه فی القضاء^۱

شخصی که از نظر علمی و فقهی ضعیف است نباید در تصدی منصب قضا طمع ورزد. این نکته بدیهی است که در امر خطیر قضا قاضی باید واجد علم مربوط به آن باشد، زیرا قضاوت به حق متوقف بر علم او است به علاوه بسیاری از ادله ای که دلالت بر لزوم علم والی دارند در اینجا نیز جاری است اعم از آیات و روایات خصوصاً روایت ابی خدیجه مقبوله عمر بن حنظله و خبر سلیمان خالد از امام صادق علیه السلام که فرموده اند: «واتقوا الحکومه فان الحکومه انما هی للامام العالم بالقضاء العادل فی المسلمین لنبی او وصی نبی»^۲

بخش سیزدهم: لزوم اجتهاد

سوال دیگری که مطرح است اینکه آیا شرط تصدی امر قضا اجتهاد است؟ دیدگاه فقیهان در این خصوص در چهار نظر عمده خلاصه می گردد:

۱. اجتهاد مطلق برای تصدی امر قضا لازم است. این نظر محقق حلی در شرایع و علامه حلی در تحریر و قواعد و شهید ثانی در مسالک است.

مشهور فقها بر این عقیده اند که داوطلب تصدی امر قضا باید مجتهد باشد.^۳ شهید ثانی پس از اینکه اجتهاد را یکی از شرایط قاضی می شمرد در تحقق اجتهاد می نویسد:

و یتحقق بمعرفه المقدمات الست و هی الکلام والاصول والنحو و التصریف و لغه العرب و شرائط الادله والاصول الاربعه و هی الکتاب و السنه و الاجماع و دلیل العقل^۴

نویسنده شرایع می نویسد:

^۱ - علامه مجلسی، بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۲۶۴.

^۲ - حر عاملی، وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۱۱، ج ۶.

^۳ - شیخ طوسی، نهائیه الاحکام ص ۳۳۷.

^۴ - شهید ثانی، الروضه البهیة ج ۳ ص ۶۲.



و کذا لا ینعقد لغیر العالم المستقل باهلیه الفتوی و لا یکفیه فتوی العلماء و لابد أن یکون عالماً بجمیع ما ولیته^۱

کسی که اهلیت صدور فتوا ندارد ، نمی تواند قاضی باشد لذا مقلد بودن کفایت نمی کند ، بلکه باید به همه اموری که به او واگذار شده است آگاه باشد .

در ماده واحده شرایط انتخاب قضات جمهوری اسلامی ایران مصوب اردیبهشت ۱۳۶۱ اجتهاد از جمله شرایط انتخاب قاضی شمرده شده است . بر این اساس هر گاه شخصی بدون داشتن صلاحیت علمی کافی تصدی امر قضا را به عهده گیرد و به جهت پایین بودن دانش حقوقی و جهل به قوانین و مقررات موجب ورود خسارت به اصحاب دعوا گردد حکم صادر شده مصداق تقصیر است و در نتیجه مسئولیت او در قبال زیان دیده مسئولیت شخصی است .

۲. دیدگاه دوم آن است که تجزی در اجتهاد برای تصدی امر قضا کفایت می کند . این دیدگاه ملا احمد نراقی است .^۲

۳. اگر برای تصدی امر قضا مجتهد مطلق موجود باشد قاضی باید مجتهد مطلق باشد و اگر چنین اشخاصی نباشند ، لیکن مجتهد متجزی وجود داشته باشد مجتهد متجزی می تواند منصب قضا را عهده دار گردد و اگر چنین اشخاصی هم وجود نداشته باشند ، اشخاصی که می توانند مطابق حق و عدل حکم کنند ، کافی است . این دیدگاه محقق اردبیلی صاحب کفایه و محقق قمی است .

۴. دیدگاه دیگر آن است که در تصدی امر قضا حتی اجتهاد به صورت تجزی نیز لازم نیست تا چه رسد به اجتهاد مطلق اعم از اینکه چنین اشخاصی وجود داشته باشند یا نداشته باشند یعنی در حال اختیار و چه در حال اضطرار بلکه آنچه لازم و معتبر است صدور حکم از روی حق و عدل است ، خواه چنین حکمی را مجتهد صادر کند یا مقلد این نظر صاحب جواهر است که بر آن ادعای قطع کرده است . امام خمینی

^۱ - محقق حلی شرایع الاسلام ج ۴ ص ۶۸

^۲ - ر. ک ملا احمد نراقی مستند الشیعه ، ج ۱۷ ص ۱۷.



لزوم اجتهاد مطلق را برای قاضی اختیار کرده^۱، اما ایشان در جای دیگر شرط اجتهاد مطلق را برای قاضی مردود دانسته و بر جواز نصب قاضی غیر مجتهد برای تصدی امر قضا تمایل پیدا کرده است.^۲

بخش چهاردهم: تصمیمات قضایی

به طور کلی تصمیم قضایی به انعکاس هر گونه اعمال اراده قاضی در مورد دعوی مطرح شده اطلاق می‌شود که این معنای عام، یکنواخت و یکسان و از یک نوع و دارای یک آثار نیست؛ لذا از حیث قاطعیت و تاثیرگذاری در ماهیت دعوا و ایجاد تکلیف برای اصحاب دعوا، ماموران دادگاه و اشخاص ثالث به صورت‌های مختلف تقسیم می‌گردد. از آنجا که مرجع قضایی برای نیل به وظیفه اصلی خود، ناچار به اتخاذ یک سلسله تدابیر اداری است تصمیم دادگاه به تصمیم اداری و قضایی تقسیم می‌گردد. منظور از تصمیم اداری تصمیمی است که دادرس در جریان رسیدگی اتخاذ می‌نماید؛ از قبیل تعیین جلسه دستور صدور اجرائیه و ... بنابراین منظور از تصمیم اداری، امور اداری صرف نیست که برخی از متصدیان مشاغل قضایی عهده دار آن می‌باشند.

نوع دیگر از تصمیم قضایی که بیانگر وظیفه اصلی و اساسی مرجع قضایی است اتخاذ تصمیم قضایی است که در ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی با توجه به اثر مترتب بر آن اعلام شده است:

چنانچه رای دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد، حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می‌شود.

بخش پانزدهم: عوامل اشتباهات قضایی

واژه اشتباهات قضایی دربرگیرنده یک مفهوم کلی و عام است و می‌توان میان اشتباه قاضی و اشتباهات قضایی رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار کرد. با این توضیح که هر اشتباه قاضی می‌تواند نوعی از

^۱ - امام خمینی، تحریر الوسیله ج ۲ ص ۲۸۶.

^۲ - همو، الرسائل ص ۱۰۸.



اشتباه قضایی باشد؛ ولی بعضی از اشتباهات قضایی می تواند نشأت گرفته از اشتباه قضایی یا عوامل دیگر همچون دفاعیات وکیل شاکي، اظهارات کذب گواهان و ... باشد.

درخصوص تأثیر اشتباهات قضایی در افزایش حجم پرونده های کیفری و افزایش جرایم، یک تحقیق میدانی در سال ۱۳۹۲ در کشور صورت گرفت. براین اساس، از ۱۰۰ نفر از افرادی که در دستگاه قضایی مشغول به فعالیت هستند؛ شامل قضات، وکلا، کارمندان دفتری و ضابطان دادگستری، پرسش های متعددی به میان آمد که طبیعتاً نظرات اخذشده با یکدیگر متفاوت بودند. در یکی از این پرسش ها، دراین خصوص که «علت اشتباهات قضایی کیفری توسط مسؤولان را بیشتر در کدام مورد می بینید»، ۱۶/۵ درصد به گزینه عدم آشنایی با قوانین، ۳۴ درصد به گزینه فقدان اطلاعات کافی، ۴۶/۴ درصد به گزینه فقدان تجربه کافی و خوشبختانه فقط ۳/۱ درصد به گزینه موارد عمدی رأی داده اند. لازم به ذکر است تعداد ۶ نفر به این پرسش پاسخ ندادند.^۱ عوامل اشتباهات قضایی را می توان از نقطه نظرهای گوناگون مورد توجه قرار داد. به عنوان مثال، عواملی از قبیل مسایل شخصی، مسایل آموزشی، بازآموزی افراد، تجربه کاری، تیپ شخصیتی افراد تصمیم گیرنده، حتی سیستم حاکم بر تشکیلات قضایی و نوع مدیریت بر کشور و مسایل جغرافیایی می توانند مد نظر قرار گیرند؛ منتها از آنجا که اشتباه قضایی در یک تقسیم بندی کلی، ناشی از موارد شکلی و ماهوی می باشد؛ نگارنده از این جهات به موضوع اشتباهات قضایی پرداخته است.

بخش شانزدهم: اشتباهات قضایی شکلی

قوانین شکلی، قوانینی هستند که برای پیشگیری از اشتباهات قضایی و اعمال هر چه بهتر عدالت کیفری وضع شده اند.^۲

قوانین شکلی یا قانون آیین دادرسی کیفری و آراء وحدت رویه مربوط به آن، که برای رعایت هر چه بهتر حقوق متهم و جبران خسارت زیان دیده اجرا میشوند؛ اگر در اجرا ضعف داشته باشند؛ خود، عاملی برای

^۱ انظری، همان، ص ۱۱۶.

^۲ آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، ۱۳۸۱، جلد اول، ص ۱۵.



تضییع حقوق متهم و بروز خسارت جبران ناپذیر، برای زیان دیده تلقی می‌شوند. به هر حال، خود اشتباهات قضایی کیفری به صورت شکلی، ممکن است ناشی از اختیارات دستگاه قضایی و یا خارج از اختیار این دستگاه و مربوط به سایر عوامل باشد.

بخش هفدهم: اشتباهات ناشی از اختیارات دستگاه قضایی

حرکت کارمندان غیرمتعهد آنقدر برای دستگاه قضایی گران است که گاهی می‌تواند جریان دادرسی را وارونه نموده و ایجاد نارضایتی نماید و در چنین حالتی تغییر محل خدمت به منظور پیشگیری از وقوع تخلف‌های احتمالی راهکار مؤثری نبوده و با این کار، فقط محل انجام تخلف واشتباه تغییر پیدا می‌کند. در یک تحقیق میدانی، ۸۱ نفر از کارشناسان در مورد میزان اعتماد خود به دستگاه قضایی، این گونه اعلام نظر کردند. براین اساس، میزان اعتماد خیلی زیاد صفر، زیاد ۹ نفر، معمولی ۴۵ نفر و ۲۷ نفر نیز میزان این اعتماد را کم عنوان نموده‌اند.^۱

بخش هجدهم: امتناع از اجرای عدالت

امتناع یا استنکاف در اجرای عدالت به خصوص در مواردی که افراد، حسب شغل، مکلف به انجام بعضی از وظایف می‌باشند؛ مانعی در راه استقرار عدالت محسوب شده؛ لذا ارتکاب آن اعمال، جرم تلقی می‌شود.

بخش نوزدهم: رشوه گرفتن

ماده ۵۸۸ ق.م.ا. تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ پرداخت رشوه (وجه و مال) به داوران و ممیزان و کارشناسان را اعم از اینکه توسط دادگاه تعیین بشوند یا نشوند، مورد حکم قرار داده است و قانونگذار در ماده ۵۸۹ نیز موضوع پرداخت رشوه به قضات را از نظر کیفری تعیین تکلیف نموده است.

^۱ فرخی همان، صص ۹۰۰ و ۸۹.

| 19



۱۷ درصد به گزینه زیاد، ۳۵ درصد به گزینه متوسط، ۴۴ درصد به گزینه کم و ۴ درصد به گزینه نقشی ندارند؛ رأی داده اند.^۱

بحث علم قاضی در قانون مجازات اسلامی به عنوان یکی از ادله اثبات، موجب به وجود آمدن برداشت‌های مختلفی از ناحیه دادگاه شده است که خود می‌تواند عاملی برای سوء استفاده بعضی از قضات در صدور رأیی صرفاً مبتنی بر علم خود باشد. استناد و استدلال غلط قاضی بر مبنای علم خود، می‌تواند مبنایی برای صدور آراء اشتباه باشد. شاید یکی از دلایل عمده بروز اشتباهات قضایی، تفسیرهای نابجا، سلیقه‌ای و موسع باشد. مواد مربوط به جرایم علیه اموال می‌تواند از این موارد باشد.

بخش بیست و سوم: کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی در حقیقت امر قضایی بسیار مهم و حساسی بوده و مقدمه واجب دادرسی‌های مهم جزایی است. هنگامی که شکایتی علیه فردی در دادگستری مطرح می‌شود؛ مقام تعقیب یا تحقیق نباید بلافاصله متهم را احضار یا جلب نماید؛ بلکه باید ابتدا ادله وقوع جرم را بررسی نماید و چنان چه دلیل کافی برای وقوع جرم و انتساب آن به متهم فراهم بود؛ احضار یا جلب وی صورت گیرد؛ زیرا تا زمانی که دلیلی بر مجرمیت کسی وجود نداشته باشد؛ صل بر براءة اوست و نباید آزادی‌های قانونی وی را محدود کرد.^۲ لازم به ذکر است که اصل براءة در راستای حفظ حقوق شهروندان تنظیم شده است. در هر حال، فقدان تخصص یا ضعف مراجع تحقیقاتی می‌تواند عامل دیگری برای تشکیل یک اشتباه باشد. این مرحله، بسیار گسترده است؛ به گونه‌ای که شامل موارد متعددی می‌شود و هر یک از این موارد می‌تواند زمینه‌ساز بروز اشتباه قضایی باشد.

۱ نظری، همان، ص ۱۲۱۰.

۲ زراعت عباس، اصول آیین دادرسی در ایران، انتشارات مجد، ۱۳۸۲، ص ۱۸۹۰.



بخش بیست و هفتم: اقدامات ضابطین

در اغلب موارد زیربنای پرونده کیفری را اقدامات اولیه ضابطان، به ویژه نیروهای انتظامی تشکیل می دهد. از این رو، باید از یک سو در انتخاب افرادی که این مهم بر عهده آنان نهاده شده؛ نهایت دقت به عمل آید و در صورت امکان از پلیس قضایی و نیروهای مسؤول و مجرب استفاده شود و از سوی دیگر، وظایف و اختیارات این مأموران با دقت از سوی قانونگذار مشخص گردد.^۱ در خصوص ضابطین، عواملی که می تواند زمینه ساز بروز اشتباهات قضایی شود، عبارتند از: انگیزه های شخصی مأمورین از جمله تعصبات نژادی یا اعتقادی یا انگیزه های شغلی جهت ارتقای درجه و یا کسب شهرت. قابل ذکر است که ضابطین، براساس قانون به دو دسته عام و خاص تقسیم می شوند.

در یک تحقیق انجام شده از ۱۰۰ نفر از افراد دخیل در پرونده های کیفری در این خصوص که «نقش ضابطین دادگستری را در به وجود آمدن اشتباهات قضایی کیفری تا چه اندازه می بینید»؛

۳۵ درصد به گزینه زیاد، ۳۷ درصد به گزینه متوسط، ۲۵ درصد به گزینه کم و ۳ درصد به گزینه نقشی ندارند؛ رأی دادند. از مجموع گزینه های اول و دوم متوجه می شویم که باید در افزایش سطح علمی و عملی و همچنین بینش قضایی ضابطین دادگستری کوشید.^۲

بخش بیست و هشتم: بروز اشتباهات خارج از اختیار دستگاه قضایی

لازم به توضیح است که منظور از اشتباهات به وجود آمده خارج از اختیار دستگاه قضایی، این نیست که دستگاه قضایی وارکان مربوطه آن هیچ نقش و دخالتی نداشته و تمامی اشتباهات توسط اصحاب دعوا بوجود می آیند؛ بلکه برعکس این دادگستری و افراد ذیربط هستند که تصمیم نهایی را گرفته و رأی مقتضی صادر می کنند. در هر حال، منظور از این نوع اشتباهات این است که نطفه تشکیل اشتباه، بتدائناً خارج از اختیار دستگاه قضایی است.

۱ اشوری همان، ۱۳۸۱، ص ۱۲۱۰.

۲ نظری، همان، ص ۱۱۹۰.



۱- اقرارهای صوری

طبق ماده ۱۶۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، قرار در معنای موضوع مورد بحث، عبارت است از اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود.

دلایلی وجود دارد که ثابت می‌کند که به اقرار هم نمی‌توان اعتماد کرد؛ مثل: عشق و محبت به وابستگان و نزدیکان برای رهنیدن آنها از مجازات، رهایی از زندگی سخت بیرون از زندان، مخصوصاً فصل سرما. اخذ وجه توسط معتاد و ولگرد برای معرفی خود به جای مرتکب اصلی.^۱ با این تفاسیر، اقرار هم نمی‌تواند دلیل نهایی و قاطعی برای صدور رأی مناسب باشد.

۲- شهادت و گواهی خلاف واقع

بینه از امارات بسیار قوی است و بر بسیاری از امارات دیگر مانند اماره ید، اماره صحت، اماره فراش، اماره فراغ و تجاوز، اماره قرعه و تمام اصول عملی مقدم است.^۲ شهادت دروغین، می‌تواند به خاطر حس ترحم و یا کینه ورزی و بشردوستی و یا ... باشد. بر این اساس، احساس می‌شود که شهادت هم ضعیف بوده و به تنهایی نباید در قلمرو امور کیفری دلیل به وقوع جرمی باشد. لذا باید در جهت دستیابی به دلایل علمی کوشید. ماده ۱۷۴ ق.م.ا. مصوب سال ۱۳۹۲ شهادت را تعریف کرده و ماده ۶۵۰ ق.م.ا. مصوب سال ۱۳۷۵ بخش تعزیرات، ضمانت اجرای شهادت دروغ را مورد حکم قرار داده است. آنچه مسلم است افراد بیگناه زیادی با تکیه بر شهادت شهود روانه زندان شده یا بالای چوبه دار رفته اند. روان شناسی شهود، مسأله مهمی است که دستگاه عدالت کیفری نباید از آن غافل بماند.

۱ نظری همان ص ۵۰.

۲. محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، انتشارات دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۲۰۹.



۳- سوگند دروغ

ماده ۲۰۱ ق.م.ا. مصوب سال ۱۳۹۲ سوگند را تعریف کرده و ماده ۶۴۹ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ بخش تعزیرات، ضمانت اجرایی سوگند دروغ را حکم کرده است. فرض کنید تمامی مراحل تحقیقات مقدماتی به نحو احسن انجام شده و پرونده آماده صدور حکم می باشد. اینجاست که ممکن است یکی از طرفین، جهت رسیدن به هدف خود سوگند دروغ یاد نموده و از این طریق پرونده کیفری را وارونه نماید.^۱

۴- شاکیان حرفه ای

پدیده شاکیان حرفه ای به عنوان یک معضل، در سیستم عدالت کیفری، موجب بروز مشکلات زیادی از قبیل؛ صدمات شدید مادی و معنوی بر افراد بی گناه، تحمیل هزینه های هنگفت مالی بر سیستم قضایی، گرفتن وقت دادگاه ها و پاسگاههای انتظامی و ایجاد حس عدم اعتماد به سیستم انتظامی و قضایی بوده است.^۲ شاید اولین مطلبی که به ذهن هرکس بعد از طرح مسأله شکایات خلاف واقع، خطور کند، این باشد که میتوان از آنها به اتهام افترا طرح شکایت نمود؛ اما به دلایلی، این امر، عملاً غیرممکن است. مهمترین دلیل، وجود ممنوعیت تعقیب شاکی به عنوان مفتری در حقوق ما می باشد. چنانچه شاکی برای احقاق حق و رفع ظلم در اجرای اصل ۱۵۶ ق.ا. در مراجع قضایی طرح شکایت نموده باشد؛ به فرض اعلام برائت متهم، قابل تعقیب جزایی نیست. زیرا تحقق جرم افترا مستلزم احراز قصد مجرمانه و سوءنیت است و اگر به جهت فقدان دلیل کافی، منع تعقیب و یا اعلام برائت متهم مورد قرار یا حکم باشد؛ با عنایت به این که تحصیل دلیل در امور کیفری به عهده دادگاه است شاکی را نمیتوان به اتهام ارتکاب جرم افترا، مورد تعقیب قرار داد.^۳ امروزه بی گناهیترین انسانها ممکن است دچار شبکه ای ظریف و حساب شده از بدخواهی و نادرستی و خیانت شده و در دام بلا گرفتار شوند.^۴

۱ نظری، همان، ص ۵۵۰.

۲ فرخی همان، ص ۱۳۰.

۳ گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۶۹.

۴ کی نیا، مهدی، روانشناسی قضایی، انتشارات دانشگاه تهران، بی تا، ص ۱۹۷.



۵- یقه سفیدها

بسیاری از اساتید حقوقی، یقه سفیدها را افرادی می‌دانند که بدون گرفتار شدن در پنجه عدالت و هماهنگی ظاهری با قانون و مقررات اجتماعی جرایم مهم اقتصادی و مالی مثل اخاذی، اختلاس، رانت‌خواری، رتشاء، اعمال غیرشرافتمندانه در امور بازرگانی و صنعتی را مرتکب می‌شوند. بسیاری از این مجرمین هیچ گاه شناخته نمی‌شوند و در صورت شناخته شدن؛ با توجه به نفوذ و قدرت مالی فراوان، اکثراً به دام نمی‌افتند.^۱

۶- وکلای دادگستری

در کشور ما مشاوره با وکیل و در اختیار داشتن به موقع وکیل، در فرهنگ جامعه، جایگاه خوبی ندارد. مردم تا حکم محکومیت را دریافت نمایند؛ اهمیت حضور وکیل را در دادگاه احساس نمی‌کنند. شرکت وکیل مدافع که در نخستین بازجویی متهم، اهمیت فراوانی داشته و برای تضمین حقوق دفاعی او تضمین ارزنده‌ای می‌باشد؛ از پیشرفت‌های قانون جزا است که در یک قرن اخیر، نصیب انسان‌ها شده است و به روش‌های گوناگون اعمال می‌گردد.^۲

ممنوعیت مشاوره متهم با وکیل در جلسه تحقیق با فلسفه حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی مغایرت دارد و همچنین عدم حضور متهم در جلسات استماع شهادت شهود، معاینه محل و غیره، امکان دفاع مؤثر را از بین می‌برد. با این حال، به همان اندازه که وکیل می‌تواند با مستندات و دفاعیات خود مسیر را برای اجرای عدالت هموار کند؛ به همان اندازه می‌تواند سبب انحراف پرونده از مسیر اصلی خود باشد. وجود انگیزه‌های مالی و به دست آوردن موقعیت اجتماعی مناسب‌تر و کسب شهرت، می‌تواند از عوامل اصلی این موضوع باشند.

^۱ نجفی توانا، علی، **جرم‌شناسی**، انتشارات آموزش و سنجش، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰.

^۲ آشوری همان، ۱۳۷۸، ص ۲۸۷.



۷- فشار افکار عمومی و رسانه ها

منظور از این قسمت، برانگیخته شدن احساسات مردم علیه مجرمین و فشار بر دستگاه قضا مبنی بر اینکه مجرم حتماً باید محاکمه و مجازات شود. به همین دلیل قاضی که خود را تحت فشار افکار عمومی میبیند؛ مجاب میشود که رأی مقتضی صادر نماید. لذا ممکن است در این راه بعضی از موارد مربوط به آیین دادرسی را رعایت نکرده و بدین سبب مرتکب اشتباه قضایی شود.

در یک تحقیق انجام شده از ۱۰۰ نفر از افراد دخیل در پرونده های کیفری در این خصوص که «نقش اصحاب دعوی و وکلای دادگستری و شهود را در به وجود آمدن اشتباهات قضایی کیفری تا چه اندازه می بینید؟» ۲۰ درصد به گزینه زیاد، ۴۰ درصد به گزینه متوسط، ۲۹ درصد به گزینه کم و ۱۱ درصد به گزینه نقشی ندارند؛ رأی دادند.^۱

نتیجه گیری

قانونی که موضوعی از موضوعات حقوقی را بیان کند و نظری به منازعه و اختلاف و طرز رسیدگی مراجع رسیدگی در آن واثبات واقعه حقوقی نداشته باشد؛ قانون ماهوی است. یکی از معایب قوانین جزایی، همیشه کهنی آنهاست که به هیچ وجه باجنبش های سریع جامعه و تحرک های چشم گیری که به وجود می آید؛ مطابقت ندارد. در یک نظرسنجی به عمل آمده از ۸۱ نفر کارشناس، درخصوص میزان ارتباط و همخوانی قوانین موجود با نیازهای جامعه به ترتیب ۴، نفر زیاد، ۳۳، نفر متوسط، ۳۷، نفر کم و ۷ نفر اعلام داشته اند که قوانین اصلاً با نیازهای جامعه ارتباط و همخوانی ندارد.^۲ در واقع، به ضرس قاطع میتوان گفت که یکی دیگر از عوامل بروز اشتباهات قضایی، ایرادات ناشی از جرم انگاری است. بنابراین می توان نتیجه گرفت یکی از عوامل بروز اشتباه قضایی، نقض یا اجمال قوانین ماهوی در مرحله قانونگذاری میباشد که این موضوع باعث توسل به تفسیر موسع قوانین، انتخاب قیاس جهت نتیجه گیری کلی و جرم انگاری افعالی که فاقد وصف عناوین جزایی هستند، شده که تمام اقدامات

۱) نظری، همان، ص ۱۱۸.

۲) فرخی، همان، ۱۵۲.



مذکور برخلاف قاعده قبح عقاب بلایبان و اصل براءت است و چنانچه در فرآیند عدالت کیفری سیستم قضایی بدون توجه به اصول کلی مذکور اقدام نماید؛ عملاً مرتکب اشتباه قضایی شده؛ موجبات تعرض به حقوق شهروندان را فراهم نموده و در واقع، برخلاف عدالت جزایی عمل نموده است.



منابع و مأخذ

- (پروفسور گارو)، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزاء ترجمه نقابت، سیدضیالالدین، انتشارات حقوقی ابن سینا (۹) جلد اول، بی تا.
- تارا، جواد، فلسفه حقوق و احکام در اسلام از نظر تجزیه و تحلیل عقلی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
- درودیان، حسنعلی، جزوه حقوق مدنی ۴ (مسئولیت مدنی)، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۶۹-۷۰.
- اردبیلی، احمد بن محمد، مشهور به مقدس اردبیلی، زبده البیان فی احکام القرآن، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۴ هـ.ق، ۱۳۷۴ م. (در ۲۰ جلد).
- اف استون، فردیناند، نهادهای اساسی حقوق ایالات متحده آمریکا، ترجمه سید حسین صفائی، مجموعه شماره ۴ حقوق تطبیقی، شرکت سهامی کتابهای جیبی با همکاری انتشارات فرانکلین، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۰.
- افشار، حسن، کلیات حقوق تطبیقی، مجموعه شماره ۱ حقوق تطبیقی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۵۵.
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، در ۶ جلد، چاپ افست اسلامی، ۱۳۵۶.
- امامی، فاطمه (زارعی)، وضع حقوقی اطفال نامشروع در حقوق سویس فرانسه، مجموعه حقوق تطبیقی شماره ۷، ۱۳۵۰.
- بهرامی احمدی، حمید، سوء استفاده از حق، مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظامهای حقوقی انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۶.
- تنک، آندره، حقوق ایالات متحده آمریکا، ترجمه صفائی، سید حسین، انتشارات موسسه حقوق تطبیقی، مجموعه شماره ۸، ۱۳۵۸.



- | ۲۹



- دوپاکیه، کلود، مقدمه تئوری کلی و فلسفه حقوق، ترجمه طباطبایی، علی محمد، تهران، چاپخانه بوذرجمهری، ۱۳۳۲.
- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، جلد اول، مشرق زمین گاهواره تمدن، مترجمان آرام، احمد؛ پاشانی، ع؛ آریان پور، امیر حسین، چاپ سوم، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، جلد سوم، قیصر و مسیح، مترجمان، عنایت، حمید، داریوش، پرویز، سروش، علی اصغر، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۰.
- ردیر، رنه، مقدمه ای بر حقوق تطبیقی، ترجمه علوی، سیدمحمد، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱.
- ژوردن، پانریس، اصول مسوولیت مدنی، ترجمه و تحقیق مجید ادیب، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- سلجوقی، محمد، نقش عرف در حقوق مدنی ایران، (رساله دکتری)، ۱۳۴۷.
- سنگلجی، محمد، ضوابط و قواعد معاملات و کلیات عقود و ایقاعات به ضمیمه مقاصد اصول و قانون رضاع و وصیت میراث در اسلام، ۱۳۴۷.
- شهابی، محمود، ادوار فقه، (در سه جلد)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
- صالح، علی و اشاء، سرگذشت قانون، مباحثی از تاریخ، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- صفائی، سید حسین، امامی، اسداله، حقوق خانواده، جلد اول، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- صفائی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تعهدات و قراردادهای، جلد دوم، نشریه موسسه عالی حسابداری، تهران، ۱۳۵۱.



- صفائی، سیدحسین، دوره مقدماتی، حقوق مدنی، جلد اول. نشریه موسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۰.
- صفائی، سیدحسین، مفاهیم، و ضوابط جدید در حقوق مدنی، مرکز تحقیقات، ۱۳۵۵.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۵۶.
- الطباطبائی، السید محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۴۹ هـ.ق، ۱۳۷۴ م. (در ۲۰ جلد).
- عبده بروجرودی، محمد، کلیات حقوق اسلامی، چاپ دوم، چاپخانه دانشگاه ۱۳۳۹ هـ.ش - ۱۳۸۰.
- عدل، مصطفی (منصور السلطنه)، حقوق مدنی، چاپ چهارم، چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۳۷.
- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۴۷.
- غمامی، مجید، قابلیت پیش بینی ضرر در مسوولیت مدنی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، جلد دوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۸.
- قرائی، خسرو، دو طرز فکر حقوقی (مطالعه سیستم حقوقی انگلیس و فرانسه) مجموعه شماره ۳ حقوق تطبیقی، ۱۳۴۷.
- کاتبی، حسینقلی، حقوق مدنی، عقود تعهدات و الزامات، تهران، ۱۳۵۲.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق انتقالی - تعارض قوانین در زمان، چاپ دوم، کانون وکلای دادگستری، ۱۳۶۹.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (خانواده) موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.



- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، ضمان قهری، مسوولیت مدنی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم - انتشارات بهنشر، ۱۳۶۶.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی - وقایع حقوقی، نشر یلدا، چاپ اول ۱۳۷۱.
- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، انتشارات بهنشر، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
- گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، جلد اول، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- لوراسا، میشل، مسوولیت مدنی، ترجمه اشتري، محمد، نشریه شماره ۳ موسسه مطالعات حقوق اسلامی و تطبیقی، ۱۳۵۹.
- محقق حلّی، حقوق کیفری اسلام، دیات، ترجمه مسالک الافهام و شرایع الاحکام، ترجمه محمدی، ابوالحسن، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول ۱۳۶۴.
- محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده (نکاح، انحلال آن)، نشر علوم اسلامی، ۱۳۶۵.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، انتشارات علوم اسلامی ۱۳۶۳.
- محمدی، ابوالحسن، جزوه قواعد فقه، از انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۱۳۷۱-۷۲.
- مشایخی، همایون، مبانی و اصول حقوقی بیمه، نشریه شماره ۴۸ موسسه عالی حسابداری، چاپ میهن، تهران، ۱۳۴۹.
- مظفر، شیخ محمد رضا، اصول الفقه، جلد اول و دوم، نجف، دارالنعمان، ۱۳۸۶ هـ.ق.، ۱۹۶۶ م.



- منصور، علی، (منصورالملک)، تاریخ قانون و حکومت، دانشکده علوم معقول و منقول، تهران، تیرماه ۱۳۳۹.
- ناصری، فرج الله، امارات در حقوق مدنی ایران، تهران، چاپ رنگین، ۱۳۴۴.
- نجومیان، حسین، زمینه حقوق تطبیقی در نظامهای حقوق اسلام، فرانسه، انگلیس، روسیه، مشهد، کتابفروشی جعفری، ۱۳۴۸.
- یزدی (طباطبائی)، سید محمدکاظم، سوال و جواب، (فارسی و عربی)، به اهتمام سید مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

لوگو سازمان ها و نهادهای علمی، سیاسی و دولتی حامی معتقد هفتمین همایش ملی بیژوهتر های علمی علوم اسلامی و انسانی در عصر نوین



اکانت ایتا و ایمیل رسمی همایش جهت ارسال مقاله
Ghanonyar@YAHOO.COM ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

۱۴۰۳/۱۲/۰۸
دانشگاه رازی- سالن همایش دانشکده علوم اجتماعی



معاونت علمی، فرهنگی و ارتباطات
 نجات پوشش خبری صدا و سیما



جهت همکاری در برگزاری همایش با دبیر اجرایی تماس بگیرید:
خانم دکتر شهلا رضایی ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵